



The Art of Traditional Sewing of the Money Hat in Chenesht Village of South Khorasan

Samera Salimpour Abkenar^{ID}, Assistant professor, Research Group of Traditional Arts, Research Institute of Cultural, Heritage, and Tourism (RICHT), Tehran, Iran. (Corresponding Author). E-mail: s.salimpour@richt.ir

Amir Anvari Moghadam^{ID}, Master's Degree in Handicraft Studies, General Directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of South Khorasan, Birjand, Iran. E-mail: anvari_skchto@yahoo.com

Extended Abstract

Introduction: The clothing of any tribe or nation has a significant impact on their cultural and social life; it can be considered the most important distinguishing component of ethnic and social groups. The ancient land of Iran is regarded as a rich and unparalleled treasure in the field of traditional clothing, due to its numerous ethnic groups with diverse indigenous and religious customs. In this regard, in all civilizations, it has been important for a person's head to be covered with a hat or other covering. Regardless of the possible spiritual aspects of covering the head, the protection of the head against external factors (heat, cold, and accidents) has led to the formation of the main Iranian clothing called the headscarf (or hat). Unfortunately, with changing lifestyles, the entry of the fashion industry, and advances in technology, many people's taste in wearing modern clothes has increased. This could be a warning sign for the loss of Iranian clothing heritage. Hence, to preserve the clothing heritage and native arts, this study introduces the sewing method of a money hat (or Kolouteh), which is produced in the Chenesht of South Khorasan Province. This traditional and decorative headscarf has been considered due to its historical background from the past to the present. The importance of this art among the women of Chenesht village is so great that even after many years and the arrival of modern and Western clothing, it still has a living production. This paper aims to find appropriate answers to these important questions: What is the sewing method of a money hat in Chenesht village? What effect do geographical, cultural, and social parameters have on the continued production of the hat?

Methods: This research is based on library sources and field observations in Chenesht village, Sarbisheh County, South Khorasan Province. The field study process involved interviewing master artists and taking photographs while they were working. In addition, the criteria for selecting artists were based on their work experience and skill. It is worth noting that the intangible heritage file of the skill of sewing a money hat has been registered under num-

ber 2229 by the authors at the Registration of the Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization.

Results: The money hat is generally made of fabrics (such as cotton, silk, and patterned velvet) in various colors (i.e., green, red, blue, black, and pink), along with silver coins or gold coins of different sizes. This multi-layered hat covers from the top of the forehead to the top of the neck, as well as the ears. To keep it on the head, it is tied under the chin with two thin bands on both sides of the hat. In addition to its aesthetic aspect, this hat acts as a sweat wick and also protects the head from cold, heat, and possible blows. The steps for sewing this hat include cutting fabric, lining, coin embroidery, sewing decorations, and pendants. All of the sewing steps are done by the women in the village of Chenasht. Results show that the interest of women and girls has led to the preservation and dissemination of this traditional art in Chenesht village.

Discussion: This traditional art features a beautiful arrangement of old silver coins (belonging to the Safavid, Afshar, and Qajar historical periods) in three rows, proportionate to their size. Also, because the head is the center of attention for every human being, this hat is a suitable place to place evil eye amulet symbols to ward off evil forces. The results show that Kolouteh is not specific to a particular group; however, the type of fabric and decorations used on it can indicate the economic status of individuals. This hat is part of the local clothing of the women of Chenasht village. As girls grow, the hats become larger and heavier, until they reach their most perfect shape on the wedding day. Because silver (or gold) coins are used in sewing this hat, it is like a valuable economic support that teaches girls the culture of saving from childhood. Finally, introducing and promoting indigenous arts is a suitable platform for employment, economic prosperity, and local tourism. In this regard, preserving traditional Iranian subcultures strengthens the sense of belonging to a common goal and social connections.

Keywords: Iranian traditional art, Hat sewing, Money hat (or Kolouteh), Chenesht village, South Khorasan province.



هنر دوخت سنتی کلاه پولی در روستای چنشت خراسان جنوبی

سامرا سلیم پور آبکنار^۱، امیر انوری مقدم^۲

چکیده

از گذشته تاکنون، در تمامی تمدن‌ها پوشیده بودن سر انسان با کلاه یا پوشش‌های دیگر از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. فارغ از وجوه معنوی احتمالی برای پوشاندن سر، ضرورت حفاظت از این اندام حیاتی در برابر عوامل خارجی (نظیر: گرما، سرما و ضربات احتمالی) منجر به شکل‌گیری یکی از پوشش‌های اصلی سر (یا سرپوش) در فرهنگ‌های مختلف - من جمله ایرانیان - شده است. در راستای حفظ میراث پوشاکی و حمایت از هنرهای بومی و اصیل ایرانی، مطالعه پیش رو در اقدامی پیش‌دستانه به معرفی و مستندسازی نحوه دوخت نوعی سرپوش مختص به روستای چنشت با نام کلاه پولی (یا کلوته) پرداخته است. هدف این مطالعه یافتن پاسخی درخور به این پرسش‌های مهم است که: شیوه عملی دوخت کلاه پولی در روستای چنشت چگونه است؟ و عوامل جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی چگونه بر تداوم تولید این کلاه مؤثر بوده‌اند؟ این پژوهش بر اساس مشاهدات و مصاحبه‌های میدانی با هنرمندان محلی و به شیوه توصیفی - تحلیلی نگاشته شده است. نتایج بیانگر آن است که علاقه‌مندی و پایداری مداوم به استفاده از این سرآذین در میان زنان و دختران چنشت به حفظ و اشاعه این هنر سنتی منجر شده است. کلوته به عنوان یکی از عناصر پوشاکی زنان روستای چنشت، علاوه بر جنبه زیبایی و حفاظت، به دلیل داشتن سکه‌های نقره و رشته‌های گلابتون یک پشتوانه اقتصادی ارزشمندی نیز محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی

هنر سنتی ایران، کلاه دوزی، کلاه پولی (یا کلوته)، روستای چنشت، خراسان جنوبی.

مقدمه

پوشاک^۱ هر قوم یا ملتی بر حیات فرهنگی و اجتماعی‌شان تأثیر بسزایی دارد؛ تا جایی که پس از عنصر زبان می‌تواند به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه تمایزبخش اقوام و گروه‌های اجتماعی محسوب شود. در این راستا، کهن سرزمین ایران به واسطه داشتن اقوام متعدد با تنوع آداب و رسوم بومی و مذهبی یک گنجینه غنی و بی‌بدیل در حوزه پوشاک و لباس سنتی بر شمرده می‌شود. پوشاک یا لباس سنتی در کنار خوراک، زبان (یا گویش) و آیین‌های سنتی یکی از مظاهر اصلی هویتی اقوام ایرانی به شمار می‌آید. به بیانی دیگر، پوشاک (یا لباس) سنتی علاوه بر نقش پوشانندگی و حفاظت، نمایانگر زیست بوم جغرافیایی، رخدادهای تاریخی و اجتماعی هر قوم است که بامطالعه و تدقیق در آن‌ها می‌توان به نوع جهان بینی و ارزش‌های فرهنگی آن قوم پی برد (غربی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۶۲). متأسفانه، با تغییر سبک زندگی، ورود صنعت مد و پیشرفت فناوری ذائقه بسیاری از افراد به پوشیدن لباس‌های امروزی افزایش یافته است و این امر می‌تواند زنگ خطری برای از بین رفتن میراث پوشاک ایرانی باشد. از این رو، ضرورت حفظ و پاسداشت هنرهای سنتی اقوام مختلف ایرانی و انتقال آن به نسل‌های بعدی تنها از طریق شناساندن، احیاء و مستندسازی این آثار هنری در کنار ثبت نام اساتید هنرمندشان امکان پذیر است. بر این اساس، پژوهش پیش رو بر معرفی و مستندسازی هنر دوخت یکی از پوشش‌های رایج سر در میان زنان روستانشین بومی استان خراسان جنوبی متمرکز شده است تا با معرفی گام به گام مراحل تولید این سرپوش سنتی گامی کوچک در راستای حفظ و اشاعه میراث فرهنگی ناملموس برداشته باشد.

گلوته (یا کلاه پولی) از سرپوش‌های سنتی و زینتی رایج در روستای چنشت استان خراسان جنوبی است که از گذشته تا به امروز، با پیشینه‌ای تاریخی همچنان از استقبال خوبی در میان زنان این روستا همراه بوده است. اهمیت و بالندگی این هنر در میان زنان و دختران روستای چنشت تا به آنجاست که حتی با گذشت سالیان متمادی و ورود لباس‌های مدرن و غربی همچنان از پویایی و سرزندگی برای تولید برخوردار است. از این رو، این مطالعه علاوه بر یافتن رمز ماندگاری هنر بومی دوخت کلاه پولی، در تلاش برای یافتن پاسخ‌هایی مناسب برای پرسش‌های پیش رو است:

۱. مواد اولیه و شیوه دوخت گام به گام کلاه پولی در روستای چنشت چگونه است؟

۲. کدام عوامل جغرافیایی، فرهنگی و یا اجتماعی بر پایداری و تداوم تولید این کلاه محلی مؤثر بوده‌اند؟

پیشینه پژوهش

با جست‌وجو در میان منابع مکتوب کتاب‌خانه‌ای و مقالات منتشر شده در سایت‌های

۱. مطابق فرهنگ دهخدا (۱۳۷۷)، مدخل لباس)، لباس به مفهوم پوشش و از مصدر پوشیدن گرفته شده است و معنای پنهان کردن و از نظر دور کردن را در بر دارد. به عبارتی دیگر، پوشش عبارت است از لباس، پارچه و یا هر چیزی که بدن را بپوشاند.

اینترنتی معتبر علمی می‌توان دریافت که تاکنون مقاله‌ای با موضوع نحوه دوخت کلاه پولی منتشر نشده است. ازاین‌رو، این مطالعه اقدامی پیش‌دستانه مبتنی بر معرفی مواد اولیه و شیوه دوخت کلاه پولی سنتی روستای چنشت با نام کُلوته است. در ادامه به پژوهش‌های منتشر شده‌ای که نزدیک‌ترین رویکرد موضوعی با مطالعه پیش‌رو را دارند، اشاره شده است:

پژوهشی با عنوان «میراث پوشاک در جنوب خراسان؛ مطالعه‌ای مردم‌نگارانه در روستای چنشت» به ارزیابی پوشاک زنان و مردان روستای چنشت می‌پردازد و آن را جلوه و بازتابی از شرایط زیستی ساکنان چنشتی می‌پندارد. علی‌رغم اینکه در بخش کوتاهی از این مقاله به تاریخچه و توصیف کُلوته پرداخته شده است؛ با این وجود، درباره نحوه دوخت آن توضیحی داده نشده است (غربی و همکاران، ۱۴۰۳).

شیخی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان: «بررسی تطبیقی پوشش سر مردان ادوار تیموری و صفوی» بر اساس نگاره‌های بایسنقری و شاه طهماسبی به مطالعه پوشش سر مردان در این دو دوره تاریخی پرداخته و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را مدنظر قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بر اساس سبک، فرم، رنگ و تزئین سرپوش‌ها و کلاه‌ها جایگاه اجتماعی افراد در این ادوار تاریخی قابل فهم است. پژوهشی با عنوان «مطالعه طرح و رنگ پوشاک دوره تیموری بر اساس نگاره‌های کمال‌الدین بهزاد» به مطالعه طرح و رنگ پوشاک (سرپوش، تن‌پوش و پاپوش) مردان و زنان دوره تیموری بر اساس ۱۱ نگاره کمال‌الدین بهزاد می‌پردازد. نتایج این پژوهش ارزشمند نیز نشان می‌دهد که تنوع طرح و رنگ در لباس زنان و مردان دوره تیموری با طبقه اجتماعی ایشان ارتباط مستقیمی دارد (اسدی‌فارسانی، ۱۴۰۱).

ولی‌قوجق و مهریویا (۱۴۰۱) در مقاله «مطالعه تطبیقی پوشش زنان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوره صفویه» پوشش‌های سر، تن و پای زنان در دوره تاریخی صفویه را مطالعه کرده‌اند. ارزیابی‌ها بیانگر آن است که برای تدقیق در پوشش زنان دوره صفوی باید از سفرنامه‌ها به همراه نگاره‌ها استفاده کرد تا بتوان به نتایج متقنی رسید.

روش پژوهش

این پژوهش بر اساس منابع مکتوب کتاب‌خانه‌ای و مشاهدات میدانی در روستای چنشت شهرستان سربیشه استان خراسان جنوبی نگاشته شده است. فرآیند مطالعات میدانی به شیوه مصاحبه با استادکاران هنرمند و عکس‌برداری در حین کار بوده و همچنین، معیار انتخاب هنرمندان مبتنی بر میزان سابقه کار و چیره‌دستی ایشان است (جدول ۱). علاوه بر این، پرونده میراث ناملموس مهارت دوخت کُلوته (یا کلاه پولی) در روستای چنشت استان خراسان جنوبی (به شماره ۲۲۲۹) توسط نگارنده دوم در اداره کل ثبت آثار سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به ثبت رسیده است.

جدول ۱. شرایط و مشخصات مصاحبه‌شوندگان (نگارندگان، ۱۴۰۳).

ردیف	نام و نام خانوادگی	تخصص	سال و مکان مصاحبه
۱	ذبیح‌الله حسن‌پور	دهیار روستای چنشت	۱۳۹۹، روستای چنشت
۲	محمد میری	راوی	۱۳۹۹، روستای چنشت
۳	خیری عبدالحی	استادکار با سابقه بیش از ۳۰ سال	۱۳۹۹، روستای چنشت
۴	خیری سجادی	استادکار با سابقه بیش از ۳۰ سال	۱۳۹۹، روستای چنشت
۵	خانم حیدری	استادکار با سابقه بیش از ۳۰ سال	۱۳۹۹، روستای چنشت
۶	خانم باقری	استادکار با سابقه بیش از ۳۰ سال	۱۳۹۹، روستای چنشت
۷	بیگم عزیزی	استادکار با سابقه بیش از ۳۰ سال	۱۳۹۹، روستای چنشت
۸	بی‌بی زراعتکار	استادکار با سابقه بیش از ۳۰ سال	۱۳۹۹، روستای چنشت

مبانی نظری پژوهش

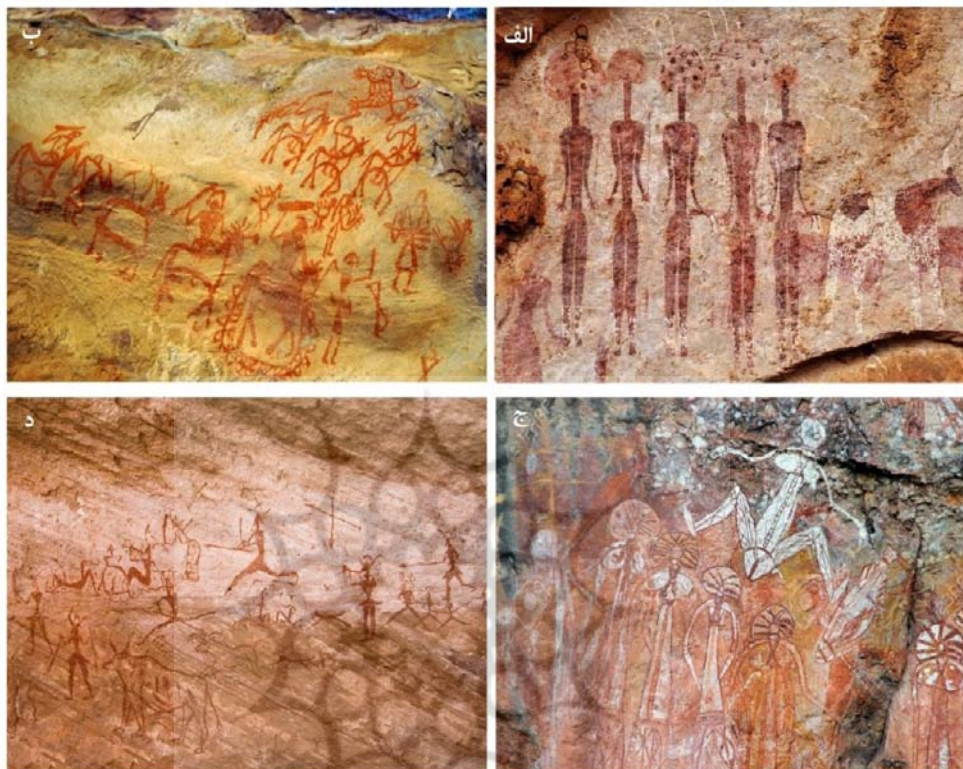
پوشاک سنتی

پوشاک یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویتی و فرهنگی هر قومی است؛ تا جایی‌که، با مطالعه نحوه پوشش هر سرزمینی در درجه اول می‌توان به هویت اجتماعی و سپس، به هویت فردی ساکنانش پی برد. از این رو، پژوهشگران مردم‌شناس و جامعه‌شناس معتقدند با رمزگشایی زبان پوشاک که نوعی نشانه‌شناسی نیز محسوب می‌شود، می‌توان به پیام‌های نمادین و نهفته در میان اقوام و ادوار تاریخی مختلف دست یافت (قاسمیان دستجردی و شاپوری، ۱۴۰۱: ۴۵). در این راستا، پوشاک سنتی به آن دسته از لباس‌هایی اطلاق می‌شود که علی‌رغم تنوع و گوناگونی، متناسب با گروه‌های اجتماعی از نوعی «ثبات و پایداری» در اصول پوشش برخوردار است و از آن عدول نمی‌کند (محمدی سیف، ۱۳۹۸: ۴۶). این اصول تأثیرگذار بر لباس‌های سنتی نیز عموماً با عواملی همچون: شرایط اقلیمی و جغرافیایی، شیوه‌های معیشت و تولید، نظام دینی و اعتقادی در ارتباط‌اند. پوشاک سنتی ایرانیان از دیرباز تاکنون، علاوه بر وجه پوشش کامل، متضمن وقار و زیبایی‌اندام انسان (یا وجه بصری) نیز بوده‌اند. در هر حال، پوشاک سنتی ایرانی متشکل از بخش‌های مختلفی (نظیر: سرپوش، تن‌پوش، پای‌پوش و زیورآلات) است که در این پژوهش تنها بر موضوع سرپوش قومی از دیار خراسان تمرکز شده است.

تاریخچه و کارکرد سرپوش (یا پوشش سر)

چنانچه بخواهیم برای پوشش سر مبدأ و آغازی در نظر بگیریم، بایستی زندگی بشر را در طول تاریخ پرفرازونشیبش مورد مطالعه قرار دهیم. اما شواهد تاریخی نشان می‌دهند که انسان از همان ابتدا برای ایمن نگه‌داشتن و گریز از باد، باران، برف و یا اشعه سوزان خورشید به دنبال سرپناهی بوده است. قدیمی‌ترین اسناد که مربوط به

نقاشی‌های غارهای پیش از تاریخ^۱ می‌باشند، نقش انسان‌هایی را می‌نمایانند که چیزی مشابه کلاه بر سر دارند (تصویر ۱). این موضوع حاکی از آن است که بشر اولیه پیش از آنکه بدن نیمه عریان خود را کاملاً بپوشاند، برحسب ضرورت به فکر پوشش سر خویش بوده است (شهشهانی، ۱۳۷۴: ۳).



تصویر ۱. نقاشی‌های غارهای پیش از تاریخ: الف) فلات اندی (Ennedi) چاد، ب) پناهگاه‌های سنگی بیمبتکا (Bhimbetka) هند، ج) کوه‌های صخره‌ای کاکادو (Kakadu) استرالیا، د) رشته کوه‌های تادرارت آکاکوس (Tadrart Acacus) لیبی (URL 1).

در ایران باستان نیز پیش از آنکه آریایی‌ها به ایران مهاجرت کنند، استفاده از پوشش سر مرسوم بوده است؛ تا جایی که، اقوام بومی ساکن در حاشیه جنوبی دریاچه خزر (یا تپورها^۲) از کلاه و نوعی خود جنگی استفاده می‌کردند. علاوه بر این، با استناد به نقوش تخت جمشید و بیستون، پوشش کامل ایرانیان در دوره هخامنشی نیز به خوبی مشهود است (تصویر ۲). بر اساس گفته‌های هنری راولینسون^۳، سیاستمدار و شرق‌شناس بریتانیایی: «مادها ... سر خویش را با کلاه می‌پوشاندند و در خانه کلاه مدور و نرم بود و در خارج از منزل کلاه نسبتاً بلند شکلی بر سر می‌گذاشتند و جنس کلاه بیش‌تر از نمد یا پارچه به رنگ‌های مختلف بوده است» (شهشهانی، ۱۳۷۴: ۳۳). پیرامون سرآذین ملکه (یا زنان درباری) در این دوره نیز اذعان شده که علاوه بر تاجی

۱. Prehistoric caves paintings.

۲. Tapur.

۳. Henry Rawlinson.

مرصع با کنگره‌های متعدد که تمام سر را می‌پوشاند، روی این تاج پارچه نازک چادر ماندی قرار می‌دادند که معمولاً تا پشت زانوهایشان می‌رسید (شهرشانی، ۱۳۷۴: ۴۰؛ شیرخانی، ۱۳۸۱: ۲۵).

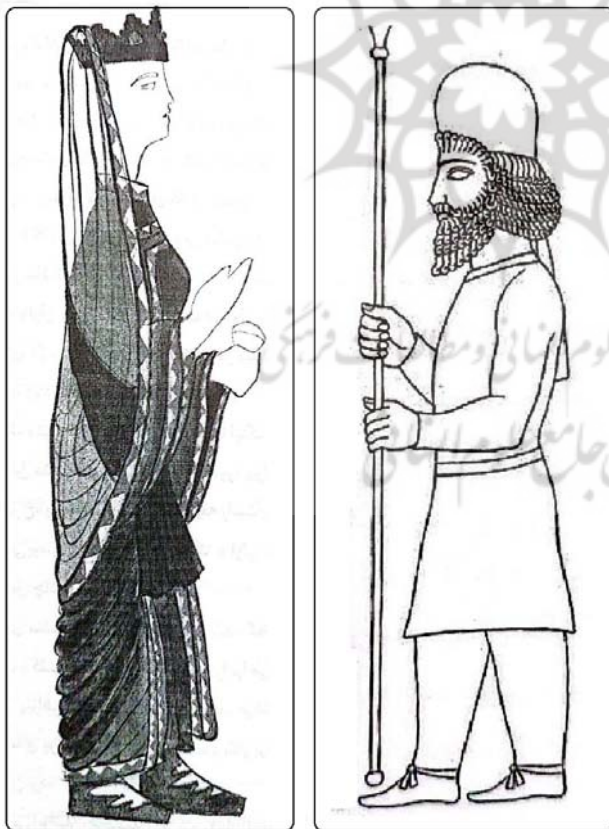
به طور کلی، پوشش سر مردمان در دوره‌های تاریخی مختلف می‌تواند بر مبنای سه دیدگاه اجتماعی، سیاسی و مذهبی مورد ارزیابی قرار گیرد.

دیدگاه اجتماعی: این دیدگاه با انگیزه پوشش سر برای مقابله با عوامل جوی، طبیعی و حفاظتی در ارتباط است و نوع و جنس پوشش در هر دوره تاریخی بنا بر امکانات، مقتضیات و حرفه افراد تعیین می‌شده است. اگرچه جنبه اجتماعی از گذشته تاکنون همچنان ادامه داشته و سرپوش‌ها از تنوع بیش‌تری نیز برخوردار شده‌اند؛ با این وجود، در اثر گذر زمان از حالت ابزاری فاصله گرفته و اغلب جنبه تزئینی (یا آراستگی) یافته‌اند.

دیدگاه سیاسی: اهمیت این دیدگاه از سوی مردمان تاریخی و به‌ویژه ایرانیان، به عنصر جنگ بازمی‌گردد. جنگ و خطرات ناشی از آن انسان را واداشت تا برای حفاظت از سر خویش انواع کلاه‌خودهای نمدی و فلزی را ابداع و بر سر نهد. با این حال نباید فراموش کرد که جنبه سیاسی منجر به ایجاد تمایز مابین سرپوش‌های پادشاهان و

فرمانروایان درباری نسبت به سربازان و مردمان عادی گردید؛ به نحوی که، تاج‌ها و سرپوش‌های مجلل و باشکوه مطابق با شأن و مقام افراد طراحی و ساخته شد.

دیدگاه مذهبی: بزرگان و مبلغان ادیان مختلف برای شناساندن خویش به سایرین از سرپوش‌های خاصی استفاده کرده و می‌کنند. برهمن‌های هندو، خاخام‌های یهودی، کشیش‌ها و اسقف‌های مسیحی و روحانیون مسلمان همگی برای پوشش سر، ارزش والایی قائل بوده و از آن حتی برای تبلیغات مذهبی نیز استفاده می‌کنند (شهرشانی، ۱۳۷۴: ۴۰).



تصویر ۲. راست: لباس مردان گارد شاهی (هوستون، ۱۴۰۱: ۲۲۲)، چپ: لباس زنان در دوره هخامنشی (شیرخانی، ۱۳۸۱: ۳۳).

توصیف کلاه پولی (یا کلوته)

کلوته (کُت / ت) (۱) در فرهنگ دهخدا (۱۳۷۷)، مدخل کلوته) به «کلاهی پُر پنبه و گوشه‌دار که بیش‌تر برای کودکان می‌دوزند و گوشه‌های آن را زیر چانه‌شان می‌بندد» اطلاق می‌شود. در فرهنگ معین (۱۳۸۶)، مدخل کلوته) نیز از کلوته به عنوان «کلاهی گوشه‌دار که مابین آستر و رویه آن از پنبه پُر باشد و برای پوشاندن گوش اطفال استفاده شود و همچنین، صوفیان می‌پوشند» یاد شده است:

صوفی شدی و صوف سیه شد لباس تو / چون صوفیان کلوته به سر بر عقیق رنگ

کلاه پولی عموماً از پارچه‌هایی مانند: کرباس، چیت، متقال، ابریشم و بیش‌تر مخمل‌های منجوق‌دوزی شده (و یا طرح‌دار) و در رنگ‌های مختلفی (همچون سبز، قرمز، آبی، مشکی و صورتی) به همراه الحاقات تزئینی که مهم‌ترین‌شان سکه‌های نقره‌ای و در برخی موارد سکه‌های طلا در اندازه‌های مختلف هستند، دوخته می‌شود. این کلاه چندلایه از بالای پیشانی تا بالای گردن و همچنین، روی گوش‌ها را می‌پوشاند. برای ثابت ماندن بر سر نیز با دو بندک نازک از دو طرف کلاه به زیر چانه گره زده می‌شود. گفتنی است که این کلاه علاوه بر جنبه زیبایی‌شناختی همچون یک عرق‌چین عمل کرده و جنبه حفاظت از سر در برابر سرما، گرما و ضربات احتمالی را نیز داراست. البته باید اذعان داشت که سرپوش سنتی کلاه پولی تنها مختص به ایران نیست و در کشورهای دیگری همچون: افغانستان، ترکیه، بلغارستان، هند و فلسطین با تزئینات مختلف در جشن‌ها و آیین‌های بومی و مذهبی استفاده می‌شود (تصویر ۳). اگرچه کلاه پولی در نواحی مختلف ایران (نظیر: خراسان، لرستان و کردستان) با برخی از شباهت‌ها و تفاوت‌ها نسبت به یکدیگر مشاهده می‌شود؛ بااین‌وجود، دوخت آن در روستای چنشت خراسان جنوبی از تزئینات و پیچیدگی‌های بیش‌تری برخوردار است.



تصویر ۳. انواع کلاه پولی در کشورهای مختلف (URL۲).

خوشبختانه، این مهارت سنتی از وضعیتی زنده و پویا در روستای چنشت برخوردارست. این موضوع به استقبال زنان و پابندی به استفاده از این کلاه تزئینی در زندگی روزمره، جشن‌ها و مراسم‌های سنتی باز می‌گردد. تمامی زنان و دختران روستای چنشت از یک سالگی تا پایان عمر بر سر خود کلاه پولی می‌گذارند. باید توجه داشت که طرح کلاه در میان اقشار فقیر و غنی فرقی ندارد؛ با این وجود، جنس پارچه و نوع دوخت تزئینات بر روی آن مستقیماً با وضع اقتصادی خانواده در ارتباط است. گاهی تزئین با رشته‌های گلابتون طلا و نقره و همچنین، گلدوزی با نخ‌های ابریشمی بر روی حاشیه، مرکز و یا تمام کلاه در کلاه‌های مربوط به طبقه اعیان به چشم می‌خورد. علاوه بر این، چون این سرپوش در مرکز دید و نگاه چشم افراد مختلفی قرار دارد؛ جایگاه مناسبی برای قرار دادن نمادهای سنتی چشم‌زخم و حفاظت از نیروهای شر محسوب می‌شود. از این رو، برای دوخت کلاه پولی علاوه بر سکه‌های فلزی، معمولاً از تزئینات (خرمهره، پَخل، بادام و غیره) و یا نقوشی استفاده می‌شود که مفاهیم نگاهداشت در مقابل نیروهای منفی و گزنده را به همراه دارند (نگارندگان، ۱۴۰۳).

یافته‌های پژوهش

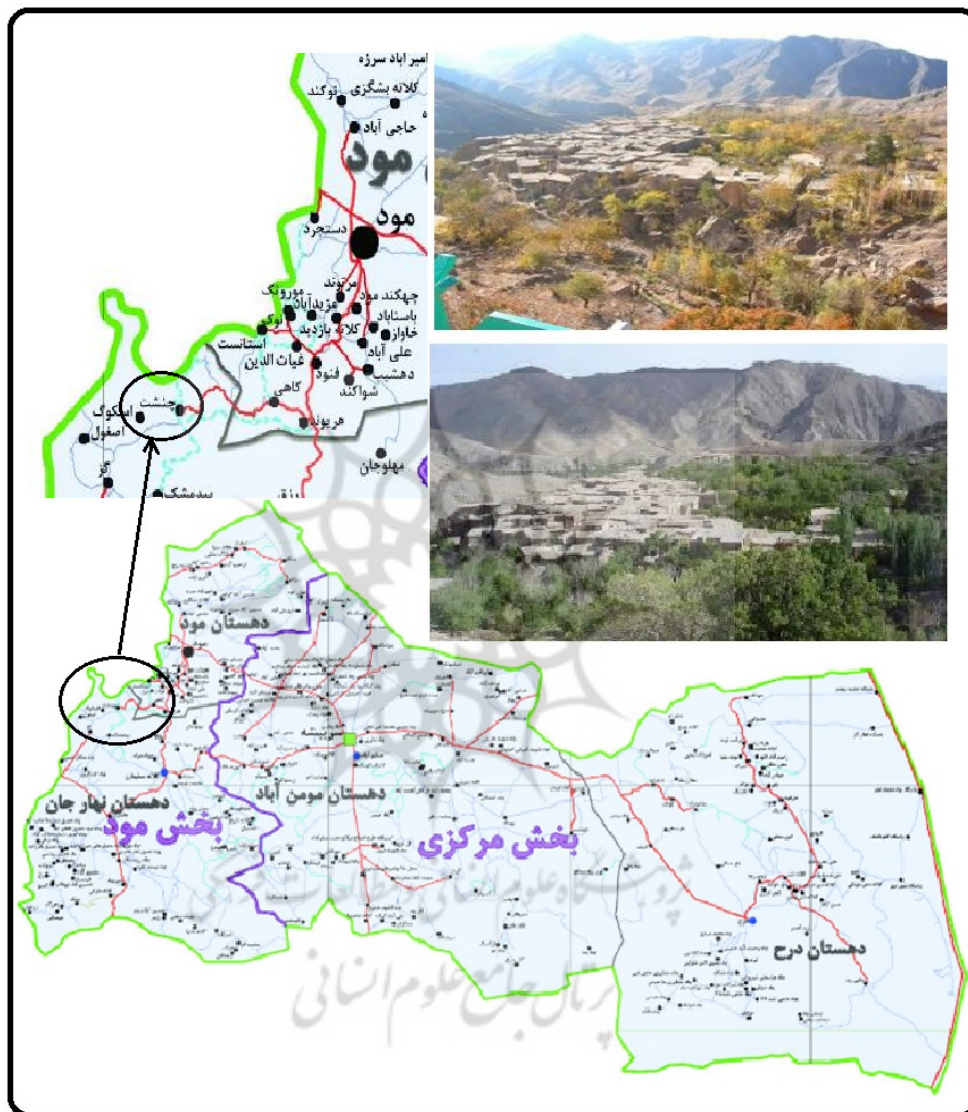
روستای چنشت

چنشت یکی از روستاهای میان‌کوهی - رشته کوه باقران - دهستان نهارجان، بخش مود شهرستان سریشه در استان خراسان جنوبی است که در فاصله ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی بیرجند - مرکز استان - قرار دارد (تصویر ۴). بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد ۲۹۹ خانوار و جمعیتی بالغ بر هزار نفر در این روستا ساکن هستند (طالبی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۴). علاوه بر این، چنشت به عنوان یکی از مهم‌ترین مقاصد گردشگری روستایی در استان خراسان جنوبی محسوب می‌شود.^۲ این روستا به دلیل تنوع رنگ در لباس‌های بومی و سنتی زنان به «سرزمین رنگ‌های ایران» معروف است (خادم، ۱۳۹۴: ۱۳). به باور برخی، علت نامگذاری چنشت برای این روستا به وجود چهار رودخانه فصلی با نام «چند شط» باز می‌گردد که به مرور زمان به چنشت مبدل شده است. البته ارتباط معنایی چنشت با واژه «بهشت» به دلیل هم وزن بودن و همچنین، به واسطه زیبایی طبیعی و سرسبزی در سالیان بسیار دور برای این منطقه دور از ذهن نیست. این روستا به خاطر شرایط خاص طبیعی و برخورداری از منابع آبی قنواتی، دارای تولیدات کشاورزی همچون: زعفران و زرشک است. علاوه بر کشاورزی، دامداری و پرورش مرغ نیز از مشاغل اصلی دیگر ساکنان این روستاست. همچنین، زنان روستای چنشت علاقه فراوانی به هنرهای دستی (نظیر: قالی بافی، گلیم بافی،

۱. روستای چنشت (Chenesht) با طول جغرافیایی ۵۹ درجه، ۱۴ دقیقه و ۲۴ ثانیه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۲ درجه، ۲۲ دقیقه و ۳۸ ثانیه شمالی و ارتفاع ۲۱۵۰ متر از سطح دریاهای آزاد واقع شده است (طالبی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۴).

۲. چون آداب و رسوم (برگزاری مراسم تولد، ازدواج و مرگ) و ویژگی‌هایی همچون: پوشاک، غذاها، موسیقی سنتی، بازیهای بومی در روستای چنشت نسبت به سایر روستاهای استان خراسان جنوبی از تحولات و تغییرات فرهنگی کمتری برخوردار بوده است، سالیانه میزبان گردشگران زیادی است.

گیوه‌بافی، سبدبافی، زیلوبافی و جاجیم‌بافی) دارند و در ماه‌های بهار و تابستان نیز به جمع‌آوری گیاهان دارویی کوهستانی می‌پردازند. از جاذبه‌های تاریخی و طبیعی این روستا نیز می‌توان به: معماری پلکانی بافت مسکونی روستا، غار چنشت و چهل چاه، آرامگاه سیدحامد علوی و فرزندانش اشاره کرد (طالبی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۹-۶۴).



تصویر ۴. موقعیت جغرافیایی روستای چنشت در استان خراسان جنوبی (URL۳).

مواد اولیه دوخت کلاه پولی

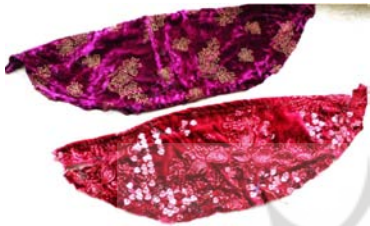
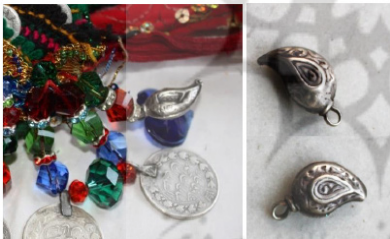
مواد اولیه مورد نیاز برای دوخت کلاه پولی (یا کلوته) روستای چنشت در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. مواد اولیه مورد نیاز برای دوخت کلاه پولی به همراه کارکرد آن‌ها (نگارندگان، ۱۴۰۳).

ردیف	توضیحات	تصاویر
	سکه نقره‌ای: از سکه‌های نقره‌ای قدیمی که به تعداد ۸۰ تا ۹۰ عدد در سه ردیف ۳۰ تایی در قسمت پیشانی کلاه برای تزئین استفاده می‌کنند. ^۱ انواع سکه‌های نقره‌ای شامل: سکه‌های ریالی، چهار یک، نیم چارک، دو قرانی (یا شیرخورشید)، پنج قرانی (یا دینار- منات) هستند. ^۲	
	سکه ریالی: پشت و روی این نوع از سکه‌های نقره‌ای دارای کتیبه است و معمولاً از آن‌ها برای تزئین ردیف بالای کلاه استفاده می‌شود. ابعاد این سکه‌ها نیز از سکه‌های قران کوچک‌تر و قطر آن‌ها نیز حدود ۲ سانتی‌متر است.	
	سکه چهاریک: این سکه‌های نقره‌ای نیز مشابه سکه‌های ریالی هستند با این تفاوت که اندازه آن‌ها حدود یک چهارم است. از این سکه‌ها برای تزئین ردیف‌های اول و دوم کلاه استفاده می‌شود. قطر این سکه‌ها حدود ۱/۵ تا ۲ سانتی‌متر است.	
	سکه نیم چارک: این سکه‌های نقره‌ای از نوع سکه‌های ریالی کتیبه‌دار بوده اما اندازه‌شان از تمامی سکه‌ها کوچک‌تر است (با قطر تقریبی ۱ سانتی‌متر). از این سکه‌ها برای قسمت جلو و روی یراق پهن کلاه استفاده می‌شود.	
	سکه دو قرانی (یا شیر و خورشید): از این سکه‌ها برای آویز کنار گوش و زیرگوش‌ها استفاده می‌شود. اندازه این سکه‌ها نسبت به سکه‌های ریالی بزرگ‌تر با قطری حدود ۲/۵ سانتی‌متر است.	
	سکه پنج قرانی (یا پنج هزار دینار- منات): از این سکه‌ها در انتهای یک رشته آویز تزئینی برای بستن و تزئین چارقد در محل گوش‌ها و پشت سر استفاده می‌شود. این سکه‌ها را معمولاً به کمک سنجاق بر روی چارقد وصل می‌کنند. البته از این سکه‌ها گاهی به تنهایی و گاهی با آویز دو یا سه عدد سکه دوقرانی در بخش انتهایی‌شان مورد استفاده قرار می‌گیرند. گفتنی است این سکه‌ها بزرگ‌ترین سکه‌های تزئینی با قطر حدود ۴ سانتی‌متر هستند.	

۱. معمولاً تعداد سکه‌ها در ردیف اول بیشتر از ۳۰ عدد است و در ردیف‌های بعدی به دلیل بزرگتر شدن سکه‌ها، تعداد کمتری جانمایی می‌شوند.

۲. این سکه‌ها عموماً از مادر به دختر به ارث می‌رسند و یا از عتیقه‌فروشی‌های شهرهای بیرجند، مشهد و یا اصفهان خریداری می‌شوند. در حال حاضر، قیمت هر سکه یک، دو و پنج ریالی به ترتیب ۵، ۱۵ و ۴۰ میلیون ریال است.

	پَتو (Pato): از جنس کاموا و مشابه یراق‌هاست که به صورت ماشینی تولید شده و برای تزئین البسه مورد استفاده قرار می‌گیرند. پتوهای مورد استفاده برای دوخت کلاه پولی در دورنگ سبز و مشکی هستند که به فرم یک درمیان در چهار ردیف دوخته می‌شوند. سکه‌ها نیز لایه‌لای این پتوها در سه ردیف با نظم و ترتیب و بر اساس اندازه از کوچک به بزرگ دوخته می‌شوند.	۲
	پارچه مخمل (یا معمولی طرح دار): مهم‌ترین ماده اولیه دوخت کلاه پولی پارچه است که معمولاً از جنس مخمل است. از پارچه‌های سبز و سادۀ معمولی برای جلوی کلاه و از نمونه‌های رنگی، طرح دار و یا منجوق‌دوزی شده برای پشت کلاه استفاده می‌کنند. علاوه بر این، از پارچه‌های متقال و کرباس نیز برای دوخت آستر کلاه استفاده می‌شود. پنبه‌ای بودن این پارچه‌ها علاوه بر ایجاد خنکی مانند عرق چین عمل می‌کند.	۳
آویزهای تزئینی: آویزهای رایج برای تزئین کلاه پولی عبارت‌اند از: بادام نقره، پَخل، دکمه نقره، مهره‌های سبز و کریستالی و پکس.		
	بادام نقره: آویزهایی حجیم با اندازه‌ای حدود ۲ سانتی‌متر که در زیر گوش قرار می‌گیرند.	
	پَخل^۲ (یا دست کوچک): شیء تزئینی کوچک از جنس نقره که مشابه پنجه بسته گربه است. از این آویز تزئینی برای دوختن یراق جلوی کلاه استفاده می‌شود.	۴
	دکمه نقره: آویز مربعی شکل از جنس نقره که برای تزئین بر روی یراق کلاه می‌دوزند.	

۱. از لبه کلاه در قسمت پیشانی به ترتیب ابتدا پتوی سبز و سپس، پتوی سیاه و مجدداً این ترکیب تکرار می‌شود.

۲. Pakhol در گویش محلی به مفهوم «چنگ انداختن» به شکلی که باعث خراش پوست شود.

	مهره سوزوک (مهره سبز): این مهره‌ها از نوع خرمهره و به رنگ فیروزه‌ای با ابعاد مختلف هستند. معمولاً خرمهره‌های کوچک را بر روی یراق پهن جلوی کلاه و یا زیر گوش‌ها می‌دوزند و اصولاً کاربردشان جنبه «چشم‌زخم» دارد.
	مهره‌های کریستالی: مهره‌هایی شیشه‌ای و یا پلاستیکی در رنگ‌های مختلف (بیش‌تر سبز، قرمز و آبی) به فرم چند وجهی‌های منتظم (و یا بیضی‌شکل) که برای تزئین گوشواره‌ها و آویزهای کلاه کاربرد دارند. مهره‌های کوچک‌تر برای بال گوش و بزرگ‌تر برای سرگوش استفاده می‌شوند.
	پکس (Peks): تزئینات دایره‌ای شکل و باریک که به عنوان حائل مابین مهره‌های کریستالی در آویزهای گوش‌ها و زیرگوش‌ها به کار می‌روند. پکس‌ها علاوه بر زیبایی، مابین مهره‌ها فاصله منظمی ایجاد کرده و با درخشش خود جذابیت آویزهای گوش را زیادتر می‌کنند.

ابزارها و تجهیزات موردنیاز برای دوخت کلاه پولی

ابزار و تجهیزات موردنیاز برای دوخت کلاه پولی سوزن تمنه^۱، سوزن خیاطی معمولی و نخ لحاف‌دوزی هستند که در جدول ۳ تصاویر و نحوه کاربردشان نشان داده شده است.

جدول ۳. ابزارهای موردنیاز برای دوخت کلاه پولی (نگارندگان، ۱۴۰۳).

تصاویر	توضیحات	ردیف
	سوزن تمنه (tamna): کاربرد این سوزن درگذشته برای لحاف‌دوزی و جوال‌دوزی بوده است، اما برای اتصال گوشواره‌ها به کلاه پولی نیز از این سوزن استفاده می‌شود.	۱
	سوزن خیاطی معمولی: از این سوزن برای دوخت سکه‌ها، یراق‌ها، پارچه‌ها و سایر تزئینات کلاه استفاده می‌شود.	۲

۱. مطابق فرهنگ عمید (۱۳۷۵)، مدخل تمنه) این واژه به مفهوم «سوزن بزرگ» است که با آن لحاف یا چیزهای سببر می‌دوزند.

	نخ لحاف‌دوزی: این نخ چندلایه پنبه‌ای بسیار محکم بوده و برای دوخت تزئینات و سکه‌ها بر روی کلاه مورد استفاده قرار می‌گیرد.	۳
---	---	---

مراحل دوخت کلاه پولی

برش‌زنی: رنگ پارچه دم کلوتی فقط سبز رنگ و جنس آن مخمل است؛ با این وجود، قسمت تاج و پشت کلاه می‌تواند رنگ‌های مختلفی همچون گلی (یا صورتی)، قرمز، آبی و مشکی باشد که معمولاً پولک‌دار و یا دارای نقش‌های برجسته است. نحوه برش کلاه پولی بدین صورت است که چهار پارچه به شکل تقریباً نیم دایره برای جلو (یا پیش) کلاه و یک الگو برای پشت (یا پس) کلاه می‌برند و سپس، آن‌ها را به یکدیگر می‌دوزند. **آستردوزی:** در این مرحله لایه جلویی کلاه را به داخل تا کرده و سپس، از پارچه‌ای بنفش رنگ و مستطیلی شکل به عنوان آستر استفاده می‌کنند. برای این کار، ابتدا ۴ لا پارچه مخمل جلوی کلاه را تا زده و پس از ۸ لا شدن آن، پارچه آستری بنفش رنگ را بر روی قسمت تا شده به سمت داخل و با پوشش تقریبی ۷ سانتی‌متر از لبه کلاه می‌دوزند (تصویر ۵-الف). این کار منجر به مستحکم شدن لبه کلاه شده و بدین ترتیب بستر کلاه برای دوختن تزئینات و تحمل وزن سکه‌ها آماده می‌شود.

پتودوزی و سکه‌دوزی: پس از دوخت پایه کار و آماده شدن کلاه پارچه‌ای نوبت به دوخت تزئینات است. از این رو، برای شروع کار ابتدا یک پتوی سبز رنگ را به کمک نخ و سوزن در لبه کلاه و مماس با آن در سرتاسر کلاه می‌دوزند (تصویر ۵-ب). سپس، سکه‌های ردیف اول (یا سکه‌های ریالی کتیبه‌دار چهار یک) را که معمولاً دارای اندازه کوچک‌تری هستند بر روی پتوی اول می‌دوزند (تصویر ۵-ج). دوخت سکه‌ها باید به نحوی باشد که دوخت پتو زیر سکه‌ها مخفی شده و تنها بخش آزاد و پرزدار آن دیده شود. باید توجه داشت که در ردیف اول، سکه‌ها کمی بر روی یکدیگر قرار گرفته و همپوشانی می‌کنند. علاوه بر این، چون سکه‌های ردیف اول کوچک‌تر هستند، تعداد بیش‌تری از آن‌ها نسبت به دو ردیف دیگر استفاده می‌شوند. پس از اتمام دوخت سکه‌های ردیف اول، دوخت پتوی دوم که به رنگ مشکی است، آغاز می‌شود. پتوی مشکی باید به گونه‌ای دوخته شود که حدود یک سوم از عرض سکه‌های ردیف اول را بپوشاند. آنگاه، سکه‌های ردیف سوم مشابه ردیف اول بر روی پتوی مشکی دوخته می‌شوند. نهایتاً، پتوی سوم سبزرنگ و سپس، سکه‌های ردیف سوم نیز بر روی آن دوخته می‌شوند.



تصویر ۵. الف) آستردوزی، ب) دوخت پتوی سبزرنگ، ج) سکه‌دوزی، د) یراق‌دوزی (نگارندگان، ۱۴۰۳).

یراق‌دوزی: پس از اتمام دوخت پتوی سبز رنگ نوبت به دوخت یراق‌ها می‌رسد. با توجه به تنوع یراق‌های موجود در بازار انتخاب نوع یراق بستگی به سلیقه شخصی دوزنده دارد. معمولاً دو یراق باریک و یک یراق پهن در بخش پیشانی کلوته و بالای پتوی آخر دوخته می‌شود. یراق‌های باریک‌تر اغلب جنبه پوشاننده و زینتی دارند و یراق پهن نیز بستری برای اتصال تزئینات الحاقی کلاه محسوب می‌شود (تصویر ۵-د).
الصاق تزئینات: معمولاً بر روی یراق پهن کلاه پولی اجسام تزئینی نقره‌ای (نظیر: سکه‌های ریالی کوچک، پولک‌ها، منجوق‌های رنگی، مهره‌های سوزوک یا چشم زخم) را به کمک سوزن می‌دوزند. همچنین، در قسمت وسط پیش‌کلوته، آویزهای سکه‌ای ریالی کوچک (نظیر: سکه‌های چهاریک) و در قسمت جلوی کلاه - در انتهای آویزهای دو رشته‌ای - کریستال‌های بدون پکس می‌دوزند (تصویر ۶). باید توجه داشت که دوخت تزئینات ساده همچون سکه از طریق سوراخ‌های تعبیه شده و یا بست‌های لحیم شده بر روی آن‌ها انجام می‌شود. در این راستا، عموماً دوزنده هنرمند سعی می‌کند که این تزئینات نسبت به خط فرضی جلوی کلاه حالتی قرینه داشته باشند.



تصویر ۶. دوخت تزئینات در بخش جلوی کلاه پولی (نگارندگان، ۱۴۰۳).

دوخت پارچه سیاه نقش دار: برای زیباتر، برجسته تر به نظر رسیدن و مستحکم تر شدن قسمت پیشانی کلاه از یک پارچه مخملی مشکی رنگ و منجوق کاری شده استفاده می شود. این پارچه را برش داده و یک لبه آن را در بخش زیرین یراق جلوی کلاه و مابقی آن را بر روی مخمل زیرین بالای سر کلاه دوخت می زنند (تصویر ۷).



پارچه سیاه منجوق کاری شده

تصویر ۷. دوخت پارچه سیاه نقش دار در بخش بالایی کلاه پولی (نگارندگان، ۱۴۰۳).

دوخت آویزهای کنار گوش و زیر گوش تزئینی: برای هر طرف کلاه از تعدادی رشته آویزهای تزئینی استفاده می کنند که آن ها را زیرگوشی (یا گوش کلوته ای) می نامند. این آویزها به کمک نخ های تسبیح و قرار دادن اشیاء تزئینی (نظیر: سکه، کریستال های رنگی، پکس و بادام نقره) آماده سازی می شوند. برای ساخت سرگوشی، ابتدا تزئینات را به همان ترتیبی که قرار است استفاده شود، کنار هم می چینند و سپس، رشته نخ را از پایین به بالا عبور داده و ته نخ را گره زده و با سیم می بندند. برای ساخت بال های گوش نیز که دو رشته ای است، ابتدا سکه آویزها را از نخ عبور داده و سپس، در دو طرف آن عناصر تزئینی و کریستال ها را به صورت قرینه اضافه می کنند (تصویر ۸). وقتی اشیاء تزئینی به حد کفایت رسید، دو طرف نخ را به یکدیگر وصل کرده و نهایتاً با سیم می بندند.



تصویر ۸. الف) زیرگوشی و بال‌های گوش، ب) دوخت آویزهای زیرگوشی و بال‌های گوش، ج) کلاه پولی (نگارندگان، ۱۴۰۳).

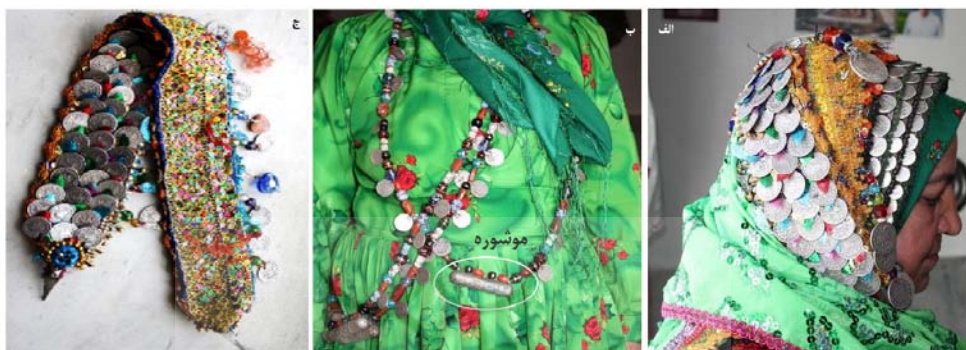
کارکرد کلاه پولی در ارتباط با مفاهیم چشم‌زخم و آیین‌های سنتی

باور به مقابله با نیروهای منفی و اهریمنی، به دلیل ناملایمات جغرافیایی و طبیعی (خشکسالی، کم‌آبی، سیل، بادهای فصلی و حمله حیوانات درنده و یا گزنده) و معیشتی (فقر، بیماری و مرگ) عموماً در زندگی اجتماعی عشایرنشینان و مردمان روستا نمود بیش‌تری می‌یابد. از این‌رو، ردپای استفاده از نمادهای تعویذی معنادار (به‌ویژه چشم‌زخم) در قالب دعا، اشیاء یا آویزبندهایی برای رفع بیم و ترس، دوری از بلا و حفاظت از نزدیکان در برابر نیروهای شرّسان در زندگی روزمره آن‌ها اغلب به چشم می‌خورد. در این راستا، از متداول‌ترین چیزهایی که عموماً برای نماد تعویذ چشم‌زخم استفاده می‌شوند می‌توان به فلزات (یا سکه‌های طلسمی)، جواهرات، سنگ‌ها و مهره‌های سفالی اشاره کرد که در قالب بازوبند، گردنبند و نظر قربانی (یا چشم‌نظر) مورد استفاده قرار می‌گیرند (ده‌بزرگی، ۱۳۸۱: ۴۶۰). با چنین دیدگاهی می‌توان دریافت که اغلب تزئینات مورد استفاده در کلوته به‌منظور دوری جستن از چشم‌زخم و نیروهای اهریمنی طراحی شده‌اند. چون این کلاه سنتی بر روی اندام سر به‌عنوان جایگاه حیاتی‌ترین اعضای بدن (مغز، چشم، گوش، بینی و ...) به‌راحتی می‌تواند در دیدرس چشمان نااهلان و ناپاکان قرار گیرد؛ بنابراین، استفاده از اشیاء زینتی با مفاهیم محافظت و چشم‌زخم به‌خوبی بر روی این کلاه معنا می‌یابد. از این‌رو، خرمهره‌های^۱ فیروزه‌ای‌رنگ (یا سوزوک) برای دفع شورچشمی (الیاده، ۱۴۰۰: ۱۴۴)، سکه‌های نقره‌ای نماد فراوانی و ثروت، آویزهای بته‌جقه‌ای (یا بادامی شکل) بیانگر فروتنی، راستی و آزادگی (احمدی‌پیام، ۱۳۸۸: ۲۵) و تزئینات دایره‌ای شکل یادآور آسمان، روح و ابدیت هستند (شیرانی، ۱۳۸۸: ۲۸).

علاوه بر این، کلاه پولی در مراسم‌های عروسی روستای چنشت با نام «کلوته عروس» و همراه با سایر ضمایم و متعلقات استفاده می‌شود. باور بر این است که استفاده از کلوته عروس به‌همراه لباس‌های سنتی و محلی بر جلا، درخشش و زیبایی

۱. اعتقاد به دفع چشم‌زخم توسط خرمهره (یا کاوری) به موضوع شباهتش با چشم نیمه‌بسته باز می‌گردد (الیاده، ۱۴۰۰: ۱۴۴).

عروس می‌افزاید.^۱ علاوه بر کلوته عروس، از توف^۲ و طوق^۳ گردن نیز استفاده می‌شود. توف نوعی آویز است که از زیر چانه تا روی کلاه را در برمی‌گیرد و بر روی آن حدود ۱۲۰ سکه^۴ نقره‌ای سه ردیفه دوخته شده است. طوق گردن نیز آویزی مشابه تسبیح است که طولی حدود ۵۰ سانتی‌متر دارد و به کمک مهره‌های رنگی و سکه‌ها تزیین شده و همچنین، دارای موشوره (یا جا دعایی) نیز است (تصویر ۹). علاوه بر این، پیش سری^۴ (یا مندیل) هم از تزیینات آویزی دیگری است که تنها عروس‌ها به سر کرده و آن را بر روی چهارقدگلی خود می‌بندند.^۵



تصویر ۹. الف) نمایی از کلاه پولی بر روی سر بانوان، ب) طوق گردن و موشوره، ج) توف (نگارندگان، ۱۴۰۳).

نتیجه‌گیری

کلوته (یا کلاه پولی) روستای چنشت نوعی سرآیین زنانه با سابقه‌ای طولانی است که از دوران کودکی تا پایان عمر بر سر زنان جای می‌گیرد. این هنر بومی و سنتی از چیدمان زیبا و منحصر به فرد سکه‌های نقره‌ای قدیمی (متعلق به دوران تاریخی صفوی، افشار و قاجار) در سه ردیف و متناسب با اندازه‌شان برخوردار است. علاوه بر این، آویزهای زیرگوشی متعدد در کنار یراق‌های رنگارنگ بر زیبایی این سرپوش می‌افزایند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کلوته علاوه بر زیبایی و آرایش سر، جنبه حفاظتی در برابر سرمای کوهستان و تعرق ناشی از گرمای تابستانی این روستا را بر عهده دارد. همچنین، به دلیل در مرکز توجه قرار داشتن عضو سر در هر انسان، کلوته مکان مناسبی برای جای‌گیری نمادهای تعویذی چشم‌زخم برای دوری جستن از نیروهای اهریمنی و بدخواه است. این پژوهش یادآور می‌شود که بر سر کردن کلوته به قشر خاصی معطوف نمی‌شود؛ با این وجود، جنس پارچه و نوع تزیینات به کار رفته در آن می‌تواند بیانگر وضعیت اقتصادی افراد باشد. کلوته (یا کلاه پولی) بخشی از ملزومات

۱. کلوته عروس را معمولاً مادر عروس به او هدیه می‌دهد.

۲. Tuf.

۳. Towq.

۴. Pišsari.

۵. تحقیقات میدانی نشان می‌دهد که کلاه پولی از مادر به دختر به ارث می‌رسد و در غیر این صورت عروسهای خانواده وارث آن خواهند بود. با توجه به اینکه حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ سکه نقره‌ای برای دوخت سه قطعه کلاه پولی، توف و طوق به کار می‌رود؛ این قطعات بسیار قیمتی بوده و نوعی کالای اقتصادی ارزشمند محسوب میشوند.

پوشاک محلی و رنگارنگ زنان و دختران روستای چنشت است که همگام با رشد و نمو ایشان کلاه‌ها نیز بزرگ‌تر و سنگین‌تر می‌شوند؛ تا جایی که، روز عروسی به کامل‌ترین شکل خود می‌رسند. گفتنی است سرپوش زینتی کلوته علاوه بر آنکه بخشی از پوشش اصیل زنان روستای چنشت را تشکیل می‌دهد؛ به دلیل استفاده از سکه‌های نقره (و یا گلابتون) همچون پشتوانه اقتصادی ارزشمندی است که فرهنگ پس‌انداز کردن به دختران را از دوران طفولیت آموزش می‌دهد.

درنهایت، باید توجه داشت چون هنرهای سنتی مطابق با نیازهای جغرافیایی، فرهنگی، جسمی و روانی اقوام مختلف کهن سرزمین ایران شکل گرفته‌اند؛ آینه تمام‌نمایی از اعتقادات، باورها، تاریخ و هویت اجتماعی ایرانیان محسوب می‌شوند. از این رو، معرفی و ترویج هنرهای سنتی اصیل و بومی بستری مناسب برای اشتغال، رونق اقتصادی و گردشگری محلی محسوب می‌شوند. در این راستا، حفظ خرده‌فرهنگ‌های بومی و سنتی ایرانی علاوه بر بروز پویایی و بالندگی، حس تعلق به یک هدف مشترک و تقویت ارتباطات اجتماعی را نیز شکل می‌دهد.

همچنین، بر اساس رویکرد «توسعه پایدار و گفتگوی مابین فرهنگ‌ها» که از سوی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یا یونسکو) بر آن تأکید شده است؛ شناسایی و مستندسازی شیوه‌های تولید پوشاک سنتی، علاوه بر حفظ میراث فرهنگی ناملموس می‌تواند گامی مؤثر بر رشد و اعتلای صنعت گردشگری فرهنگی و هنری در سطوح ملی و بین‌المللی محسوب شود. این امر منجر به ایجاد پیوندهایی عمیق مابین اقوام با ریشه‌های قومی، تاریخی و فرهنگی مشترک می‌شود و به حفظ تعریف هویت فردی از منظر درون جامعه ایرانی و همچنین، تبیین هویت جمعی از منظر جوامع بین‌المللی می‌انجامد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

منابع و مأخذ

اسدی فارسانی، مجید (۱۴۰۱). مطالعه طرح و رنگ پوشاک دوره تیموری بر اساس نگاره‌های کمال‌الدین بهزاد، پژوهش هنر، ۱۲ (۲۴)، ۱۵-۲۸.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23453834.1401.12.24.7.8>

احمدی پیام، رضوان (۱۳۸۸). ریشه‌یابی نقوش مشترک در قالی‌های ایران و هندوستان. کتاب ماه هنر، ۱۲۸، ۳۴-۴۱.

الیاده، میرچا (۱۴۰۰). تصاویر و نمادها، ترجمه محمدکاظم مهاجری، تهران: نشر کتاب پارسه.
خادم، امین (۱۳۹۴). واکاوی قابلیت‌ها و فرصت‌های اقتصاد گردشگری، روستاهای هدف گردشگری استان خراسان جنوبی (مطالعه موردی: روستاهای خرو و چنشت). اقتصاد خاوران، ۲ (۱۹ و ۲۰)، ۹-۱۶.

ده‌بزرگی، ژیلا (۱۳۸۱). چشم‌زخم در باور و فرهنگ ایرانیان. چیستا، ۱۹۶-۱۹۷، ۴۵۷-۴۶۱.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شهشهبانی، شهلا (۱۳۷۴). تاریخچه پوشش سر در ایران. تهران: انتشارات مدبر.

شیرانی، راضیه (۱۳۸۸). رویکردی نمادین و تصویری به طلسم‌های ایرانی. نقش‌مایه، ۲ (۳)، ۲۱-۳۴.

شیرخانی، منیژه (۱۳۸۱). پوشش زن ایرانی. تهران: انتشارات بهار علم.

شیخی، علیرضا، عنایتی، راضیه، مخملی، زینب، توسلیان، مریم و نجمه صفاری (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی پوشش سر مردان ادوار تیموری و صفوی. مطالعات تطبیقی هنر، ۱۲ (۲۴)، ۸۱-۹۳.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23453842.1401.12.24.6.7>

طالبی، محمدعلی، یوسفی، جواد و محمد براتی (۱۳۹۸). بررسی اثرات تعاملات بین فرهنگی ساکنان و گردشگران، مورد مطالعه: روستای چنشت در خراسان جنوبی. مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان، ۱۴ (۱)، ۴۹-۷۴.
<https://doi.org/10.22034/fakh.2020.199618.1356>

عمید، حسن (۱۳۷۵). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.

غربی، موسی‌الرضا، برآبادی، سید احمد، بهروز روستاخیز (۱۴۰۳). میراث پوشاک در جنوب خراسان؛ مطالعه‌ای مردم‌نگارانه در روستای چنشت، مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان، ۱۹ (۲)، ۱۵۵-۲۰۰.

<https://doi.org/10.22034/fakh.2025.507377.1718>

قاسمیان دستجردی، پروانه و کوروش شاپوری (۱۴۰۱). جایگاه پوشاک سنتی در توسعه گردشگری فرهنگی در ایران. گردشگری فرهنگ، ۳ (۸)، ۴۵-۵۴.

<https://doi.org/10.22034/TOC.2022.324992.1070>

محمدی سیف، معصومه (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی پوشاک سنتی و زیورآلات زنان ایران زمین. تهران: انتشارات اندیشه احسان.

معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین، تهران: انتشارات زرین.

ولی‌فوج، منصور و حسین مهرپویا (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی پوشش زنان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوره صفویه. پژوهش هنر، ۷ (۱۳)، ۱۰۹-۱۲۳.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23453834.1396.7.13.8.2>

هوستون، ماری جی (۱۴۰۱). تاریخ لباس در مصر، بین‌النهرین و ایران باستان، ترجمه سحر بحرانی، تهران: انتشارات پيله.

Ahmadi Payam, R. (2009). The Origins of Common Motifs in Iranian and Indian Carpets. Journal of Mah-e Honar, 128, 34-41 [In Persian]

Amid, H. (1996). Amid Persian Dictionary. Tehran: Amirkabir Publications [In Persian]

- Asadi Farsani, M. (2022). A Historical Investigation of the Design and Color of the Timurid Garments based on Masterpieces by Kamal al-Din Behzad. *Journal of Pazhuhesh-E Honar*, 12 (24), 15-28. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23453834.1401.12.24.7.8> [In Persian]
- Eliade, M. (2021). *Images and Symbols* (Translated by Mohammad Kazem Mohageri). Tehran: Parse Book Publications [In Persian]
- Dehbozorgi, Zh. (2002). The Emulet in Iranian Belief and Culture. *Chista*, 196- 197, 457-461 [In Persian]
- Dehkhoda, A.A. (1998). *Dekhoda Persian Dictionary*. Tehran: Tehran University Publications [In Persian]
- Gharbi, M., Barabadi, S.A. & Rastakhiz, B. (2025). The Heritage of Clothing in South Khorasan: An Ethnographic Study in the Village of Chenesht. *Journal of Socio-Cultural Studies of Khorasan*. 19 (2), 155-200. <https://doi.org/10.22034/fakh.2025.507377.1718> [In Persian]
- Ghasemian Dastjerdi, P. & Shapoori, K. (2022). The position of Traditional Clothing in the Development of Cultural Tourism in Iran. *Journal of Cultural Tourism*, 3 (8), 45-54. <https://doi.org/10.22034/TOC.2022.324992.1070> [In Persian]
- Houston, M.G. (2022). *Ancient Egyptian, Mesopotamian and Persian Costume* (Translated by Sahar Bahrani). Tehran: Pileh Publications [In Persian]
- Khadem, A. (2015). Exploration of the Capabilities and Opportunities of the Tourism Economy in Target Villages of South Khorasan Province (Case Study: Kharv and Chenesht Villages). *Khavaran Economy*, 2 (19 and 20), 9-16 [In Persian]
- Mohammadi Seif, M. (2019). *Sociology of Traditional Clothing and Jewelry for Women in Iran*. Tehran: Andishe Ehsan Publications [In Persian]
- Moin, M. (2007). *Moin Persian Dictionary*. Tehran: Zarin Publications [In Persian]
- Sheikhi, A., Enayati, R., Makhmali, Z., Tavasolyian, M. & Saffari, N. (2022). A Comparative Study of Men's Head Covering in the Timurid and Safavid Periods (A Case Study of the Illustrations of Shahnameh Baysonqori and Shah Tahmasabi). *Scientific Journal of Motale-ate-e Tatbighi-e Honar*, 12 (24), 81-93. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23453842.1401.12.24.6.7> [In Persian]
- Shahshahani, Sh. (1995). *History of Head Covering in Iran*. Tehran: Modaber Publications [In Persian]
- Shirani, R. (2009). A Symbolic and Visual Approach to Iranian Amulets. *Naghshmayeh*. 2 (3), 21-34 [In Persian]
- Shirkhani, M. (2002). *Iranian Women's Clothing*. Tehran: Bahar-e Elm publications [In Persian]
- Talebi, M.A., Yoosefi, J. & Barati, M. (2019). Investigating the Effects of Intercultural Interactions between Residents and Tourists: A Case Study of Chenesht Village in South Khorasan. *Social Cultural Studies of Khorasan*, 14 (1), 49-74. <https://doi.org/10.22034/fakh.2020.199618.1356> [In Persian]
- URL1: www.britannica.com
- URL2: es.pinterest.com
- URL3: www.portal.sko.ir
- Vali Ghoghj, M. & Mehrpouya, H. (2017). A Comparative Study of Women's Clothing in Travelogues and Paintings of the Safavid Period. *Journal of Pazhuhesh-E Honar*, 7 (13), 109-123 <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23453834.1396.7.13.8.2> [In Persian]

